

دستورنویسی در شبه‌قاره

دکتر منصور ثروت*

ظاهراً همیشه دستورنویسی و همچنین تدوین فرهنگ لغات به دست کسانی انجام پذیرفته است که خود اهل آن زبان نبوده‌اند. شاید به این دلیل ساده که اهل زبان در نوشتن و یا درک معانی واژگان، خود را بی‌نیاز از چنین کوششی می‌دانسته‌اند و در این میان، افراد خارج از زبان برای تسهیل در آموزش و آشنایی با قواعد جاری در زبان و یادگیری معانی واژگان، خود را ملزم می‌دانستند در این عرصه وارد شوند؛ چنان‌که ایرانیان برای آموختن زبان عربی در تدوین صرف و نحو و فرهنگ لغات، نسبت به خود اعراب پیش‌قدم بوده‌اند. بر همین اساس، پس از گسترش زبان فارسی در آناتولی و هند در روزگاران گذشته، چه از لحاظ سیاسی و چه به جهت علمی و فرهنگی، عده‌ای از معلمان و پژوهشگران و منشیان پیش‌قدم شدند تا در باب دستورنویسی و فرهنگ‌نویسی، به‌عنوان ابزار آموزشی و تسلط بر زبان اقدام کنند.

*. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی.

در هندوستان یکی از قدیم‌ترین آثار در باب دستور زبان فارسی در سال ۱۱۶۵ق و به قلم جمال‌الدین حسین بن سید نورالله مرعشی نجفی شوشتری، به نام *میزان فارسی* یا *بعضی قانونات فارسی* در عظیم‌آباد هندوستان تألیف شد و پس از آن نیز بیش از بیست اثر دیگر دربارهٔ دستور زبان فارسی به دست آنان تألیف شده است.

شماری از کتاب‌ها در حوزهٔ دستور زبان فارسی و فرهنگ لغت از این قرارند: *جامع القواعد*، تألیف محمدقلی‌خان، از پارسی‌دانان هندنشین؛ رساله‌ای در دستور زبان فارسی در هفده باب و بدون نام از شیخ عبدالباسط (متولد ۱۰۹۹ق)؛ *مجمع القوانین* به قلم امیر اسدالله (۱۱۶۹ق)؛ *قواعد فارسی*، مسماً به *هفت گل*، که منظومه‌ای است در حدود ۳۲ صفحه، تألیف کامتا پرشاد؛ *قواعد فارسی*، اثر روشن‌علی انصاری جوانپوری که در حدود ۱۲۱۵ق در لکنهو چاپ شده است؛ *قواعد المبتدی* از مؤلفی ناشناس در ۹۲ صفحه که در سال ۱۲۴۱ق در کلکته منتشر شده است؛ *گرامر فارسی* به صورت پرسش و پاسخ، در هفتاد صفحه که به‌وسیلهٔ عطاءالله به سال ۱۲۴۴ق در کلکته چاپ شده؛ *بدیع‌الصرف* از کاووس‌خان که در سال ۱۲۵۶ق در مدرس منتشر شده است؛ *صفوه المصادر* از محمد مصطفی‌خان بن محمد روشن‌خان که در سال ۱۲۸۱ در کانپور انتشار یافته و بسیاری آثار دیگر.

قدیمی‌ترین کتاب لغت فارسی، *لغت فرس* اسدی است که تاریخ تألیف آن پس از ۴۵۸ق بوده است. ظاهراً از مرگ اسدی تا قرن نهم دیگر تألیفی در این باب در دست نیست. نخستین فرهنگی که در هند نگاشته شده، فرهنگ *اداة الفضلا* و به قلم قاضی خان بدر محمد دهلوی است که در سال ۸۲۲ق به پایان رسیده است. پس از آن *شرفنامهٔ منیری* در سال ۸۷۸ق است. از این تاریخ به بعد این کار به‌صورت گسترده‌ای در هندوستان ادامه یافت.

با این فهرست مختصر از بسیار آثاری که در هندوستان در زمینهٔ دستور زبان فارسی نوشته شده روشن است که جدّیت در این امر تا چه اندازه بوده است. مرحوم خیامپور در مقدمهٔ *دستور زبان فارسی* خود راجع به تاریخ دستور زبان، پس از بحث دربارهٔ سابقهٔ این تلاش‌ها در زبان‌های فرنگی و سپس عربی، وقتی به تاریخ دستورنویسی فارسی می‌رسد، می‌گوید:

«باید اذعان کرد که نسبت به دستور زبان فارسی چندان توجهی نشده است و اگر از بعضی تألیفات که اغلب در هندوستان به عمل آمده و از پاره‌ای مسائل دستوری که بعضی فرهنگ‌نویسان در مقدمهٔ فرهنگ‌ها مانند فرهنگ انجمن آرای ناصری و برهان قاطع و برهان جامع و غیر آنها... نوشته‌اند قطع نظر شود، اقدام به تدوین و تألیف دستور زبان فارسی به معنی حقیقی خود بسیار تازه است.»

از بیان خیامپور اهمیت و پیش‌قدمی مؤلفان هندی را در دستور زبان فارسی می‌توان استنباط کرد و گرچه خود ایشان تحصیل‌کردهٔ ترکیه بوده‌اند، بی‌عنایتی‌شان نسبت به مؤلفان عثمانی را شاید بتوان در جهت اولویت و اهمیت مؤلفان هندی تلقی کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی